



نقش صفات شخصیت و سبک‌های مقابله، در سلامت روانی دانشجویان: ارائه مدل‌های علی

امید شکری^۱

دانشگاه تربیت معلم

دکتر علیرضا مرادی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تربیت معلم

دکتر ولی‌اله فرزاد

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تربیت معلم

علی اکبر سنگری

دانشگاه تربیت معلم

زیبا غنایی

دانشگاه آزاد اسلامی ساوه

اکبر رضایی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

هدف: این تحقیق به منظور بررسی نقش صفات شخصیت و سبک‌های مقابله با تنیدگی در سلامت روانی دانشجویان انجام گرفت. روش: در این مطالعه مقطعی و تحلیلی (مدل‌سازی) در نمونه‌ای متشکل از ۲۲۸ آزمودنی (۱۷۷ پسر و ۱۵۱ دختر)، فرم خلاصه شده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت، پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا و پرسشنامه سلامت عمومی اجرا و با استفاده از تحلیل مسیر، اثرات مستقیم و غیر مستقیم صفات شخصیت بر سبک‌های مقابله و سلامت روان بررسی شدند. یافته‌ها: وظیفه‌شناسی و پذیرش، بر سبک مسأله‌مداری اثر مثبت و معنی‌دار و جنس اثر منفی و معنی‌دار، درحالی‌که پذیرش و وظیفه‌شناسی بر سلامت روان اثر منفی و معنی‌دار و روان رنجورخویی و هیجان‌مداری اثر مثبت و معنی‌دار داشت. اثر غیرمستقیم جنس بر سلامت روان، از طریق مسأله‌مداری، مثبت و معنی‌دار و اثر بیرون‌گرایی و پذیرش بر سلامت روان به وسیله هیجان‌مداری منفی و معنی‌دار به دست آمد و جنس از طریق هیجان‌مداری اثر مثبت و معنی‌دار داشت. نتیجه‌گیری: به طور کلی، نتایج این پژوهش مؤید آن است که توجه به نقش صفات شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در مطالعه سلامت روانی افراد بسیار مهم است.

کلیدواژه‌ها: صفات شخصیت، سبک مقابله، سلامت روان

مقدمه

تمایل فرد به تجربه هیجانات منفی از قبیل اضطراب، افسردگی و خشم بر می‌گردد. برون‌گرایی^۲ (E) به تمایل فرد به پراورزی، شاد و معاشرتی بودن اطلاق می‌شود. پذیرش^۳ (O) به تمایل فرد به غیرستی و تخیلی بودن و علاقه‌مندی به هنر اشاره می‌کند. سازگاری^۴ (A) به تمایل فرد به اعتمادورزی، کمک‌کنندگی و

بررسی نقش متغیرهای شخصیتی در سبک مقابله با تنیدگی و سلامت روان تاریخچه‌ای طولانی دارد (پنلی^۱ و توماکا^۲، ۲۰۰۲). کورت (به نقل از اکسی^۳، ۲۰۰۴) در بیان تفاوت‌های فردی، با توجه به صفات شخصیت اشاره می‌کند که روان‌رنجورخویی^۴ (N) به

2- Penley
4- Eksi
6- extraversion
8- agreeableness

3- Tomaka
5 - neuroticism
7- openness

۱- نشانی تماس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان مفتح، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

E-mail: oshokri@yahoo.com



مرتبط است. این یافته‌ها هماهنگ با نتایج پژوهش دنیو^{۱۶} و کوپر^{۱۷} (۱۹۹۸) است که بیان داشتند از بین پنج عامل، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده شادی، و روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی، قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی از زندگی به شمار می‌رود. مطالعات کاستا^{۱۸} و مک‌کری^{۱۹} (به نقل از هایس و جوزف، ۲۰۰۳) نشان داد که شادی با برون‌گرایی بالا و روان‌رنجورخویی پایین مرتبط است. اکثر تحقیقات بعدی این همبستگی را تأیید کردند (برنر^{۲۰}، دنالدسن^{۲۱}، کربی^{۲۲} و وارد^{۲۳}، ۱۹۹۵؛ جان^{۲۴} و جوزف^{۲۵}، ۲۰۰۰؛ فارنهام^{۲۶} و بروین^{۲۷}، ۱۹۹۰؛ هیلز^{۲۸} و آرگیل^{۲۹}، ۲۰۰۱؛ لیو^{۳۰} و شای^{۳۱}، ۱۹۹۷). دربارهٔ پنج عامل شخصیت، کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) بیان می‌دارند که سازگاری و وظیفه‌شناسی در موقعیت‌های کاری اجتماعی می‌باید تجربه مثبت بیشتری به همراه داشته باشند که این به نوبه خود سلامت روانی به دنبال دارد. این در حالی است که پذیرش، فرد را به کسب تجربه حالات هیجانی منفی و مثبت سوق می‌دهد. یافته‌های یک پژوهش (استیر^{۳۲}، اریکسون^{۳۳}، هرناوندز^{۳۴} و پاولسکی^{۳۵}، ۲۰۰۲) بیانگر این است که روش مقابله‌گرایی با شاخص‌های مشکلات سلامت و رفتارهای خطرناک همبستگی ضعیف دارد، در حالی که روش مقابله اجتنابی با این ابعاد همبستگی مثبت نشان می‌دهد.

همچنین نشان داده شده است که اگرچه دو جنس در تعداد وقایع تنیدگی‌زای تجربه شده تفاوتی نداشتند، زنان نسبت به مردان وقایع زندگی را منفی‌تر و غیرقابل کنترل‌تر ارزیابی کردند. علاوه

بخشندگی و در نهایت، وظیفه‌شناسی^۱ (C) به تمایل فرد به قابل اعتماد بودن، کوشا و منظم بودن برمی‌گردد.

به طور کلی، مقابله کردن نیز به تلاش‌های رفتاری و شناختی برای پیشگیری، نظم بخشیدن و فرونشاندن تنیدگی اطلاق می‌گردد (لازاروس^۲ و فولکمن^۳، ۱۹۸۴). گرچه مقابله کردن شامل فعالیت‌های زیادی می‌شود، غالب راهبردهای مقابله‌ای، منعکس‌کننده تلاش فرد برای بهبود یک موقعیت دشوار می‌باشند؛ موقعیت‌هایی از قبیل طراحی یک نقشه یا انجام عمل (مقابله مسأله‌مدار^۴) یا تلاش‌های فرد برای کاهش احساسات ناخوشایند (مقابله هیجان‌مدار^۵) از قبیل گریه کردن، خیال‌پردازی و پرداختن به رفتارهای عیب‌جویانه و بالاخره در پیش گرفتن فعالیت‌هایی که هدف آنها اجتناب از موقعیت تنیدگی‌زا می‌باشد (مقابله اجتنابی^۶) (پنلی و توماکا، ۲۰۰۲).

جعفرنژاد (۱۳۸۲) نشان داد که بین عوامل پذیرش، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و سازگاری با سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار، رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد، در حالی که رابطه بین عامل روان‌رنجورخویی با سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار منفی و معنی‌دار و با سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار مثبت و معنی‌دار می‌باشد. پژوهش دیگری (یوهازا^۷، ساکود^۸، ساکادا^۹، ساتو^{۱۰} و سومیا^{۱۱}، ۱۹۹۹) بیانگر ارتباط مثبت برون‌گرایی با مسأله‌مداری و روان‌رنجورخویی با هیجان‌مداری است. یافته‌های پژوهش پنلی و توماکا (۲۰۰۲) نشان داد که بین عامل روان‌رنجورخویی با تجربه هیجان‌انگیز منفی و استفاده از راهکارهای هیجان‌مدارانه و بین عوامل برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و پذیرش با تجربه عواطفی از قبیل شادمانی و غرور و استفاده از راهکارهای مسأله‌مدارانه همبستگی وجود دارد. نتایج پژوهش کاردام^{۱۲} و کراییک^{۱۳} (۲۰۰۱) بیانگر این است که برون‌گرایی بر سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و مسأله‌مدار اثر مثبت مستقیم، و روان‌رنجورخویی و روان‌پریشی بر سبک مقابله‌ای اجتنابی اثرات مثبت مستقیم دارد. اثرات غیرمستقیم صفات شخصیت بر سبک‌های مقابله‌ای، به وسیله تنیدگی ذهنی برای تمام سبک‌های سه‌گانه مقابله پایین است.

نتایج پژوهش هایس^{۱۴} و جوزف^{۱۵} (۲۰۰۳) نشان داد که وظیفه‌شناسی مثل برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی با سلامت روان

1- conscientiousness	2 - Lazarus
3- Folkman	4 - task-oriented coping
5- emotion-oriented coping	
6- avoidance-oriented coping	
7- Uehara	8 - Sakudo
9- Sakado	10 - Sato
11- Someyo	12 - Kardum
13- Krapic	14 - Hayes
15- Joseph	16 - DeNeve
17- Cooper	18- Costa
19- McCrae	20 - Brebner
21- Donaldson	22 - Kirby
23- Ward	24- Chan
25- Joseph	26- Furnham
27- Brewin	28- Hills
29- Argyle	30- Lu
31- Shih	32- Steiner
33- Ericson	34- Hernandes
35- Pavelski	



است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه موردنظر با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که این ضریب برای عامل روان‌رنجورخوئی ۰/۷۹، برون‌گرایی ۰/۶۴، پذیرش ۰/۷۹، سازگاری ۰/۵۵ و وظیفه‌شناسی ۰/۸۳ به دست آمد.

ب) پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا: این پرسشنامه توسط اندلر^۶ و پارکر^۷ (۱۹۹۰) طراحی شد. این آزمون شامل ۴۸ سؤال می‌باشد که پاسخ‌های هر سؤال با روش لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص شده است. در نهایت، سبک غالب فرد با توجه به نمره‌ای که در آزمون کسب می‌کند، مشخص می‌شود. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی برای هر یک از سبک‌های مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۲ و ۰/۷۳ به دست آمد.

ج) پرسشنامه سلامت عمومی: گلدبرگ^۸ و هیلیر^۹ (به نقل از هومن، ۱۳۷۶) فرم ۲۸۸ ماده‌ای این پرسشنامه را مطرح کردند. این پرسشنامه نیز مانند فرم اولیه مشتمل بر چهار مقیاس فرعی (افسردگی، اضطراب، اختلال در کنش اجتماعی و شکایات جسمانی) است که هر کدام از آنها دارای هفت پرسش می‌باشد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مقیاس افسردگی ۰/۸۱، اضطراب ۰/۶۳، اختلال در کنش اجتماعی ۰/۶۵ و شکایات از نشانه‌های جسمانی ۰/۸۳ به دست آمد.

پس از ارائه توضیحات لازم در زمینه پژوهش و چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها، آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها را برای پاسخدهی دریافت کردند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. تحلیل مسیر در واقع گسترش روش‌های رگرسیون و به نوعی کاربرد رگرسیون چند متغیره در تدوین الگوهای علمی است. هدف این روش برآورد کمی روابط علی، بین مجموعه‌ای از متغیرها در قالب «نمودار مسیر» است. این روش برای شناسایی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی بین چند متغیر مفید می‌باشد.

بر این، زنان در مقایسه با مردان در سبک‌های مقابله اجتنابی، هیجان‌مدار و اختلالات روانشناختی و نشانه‌های بیماری جسمی نمرات بالاتری به دست آوردند. به عبارت دیگر، زنان در مقایسه با مردان نمرات هیجانی بالاتری نشان دادند (متیود^۱، ۲۰۰۴).

بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر پی‌بردن به نقش صفات شخصیت و سبک‌های مقابله با تنیدگی در سلامت روانی است و به کمک مدل‌هایی با فرض اثرات مستقیم و غیرمستقیم صفات شخصیت و سبک‌های مقابله با تنیدگی بر سلامت روان، روابط بین متغیرها آزمون می‌گردد.

فرضیات زیر، این پژوهش را هدایت می‌کنند:

۱- متغیرهای جنس، روان‌رنجورخوئی (N)، پذیرش (O)، برون‌گرایی (E)، سازگاری (A) و وظیفه‌شناسی (C) بر سبک‌های مقابله مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی و سلامت روان تأثیر مستقیم دارد.

۲- متغیرهای سبک‌های مقابله مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی بر سلامت روان تأثیر مستقیم دارد.

۳- متغیرهای جنس، روان‌رنجورخوئی، پذیرش، برون‌گرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی از طریق تأثیر بر سبک‌های مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی بر سلامت روان تأثیر غیرمستقیم دارد.

روش

آزمودنی‌های این پژوهش مقطعی و تحلیلی (مدل‌سازی) را ۳۲۸ نفر از دانشجویان (۱۷۷ پسر و ۱۵۱ دختر) دانشگاه تربیت معلم تهران که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، تشکیل دادند.

ابزارها

الف) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت: فرم خلاصه شده پرسشنامه پنج عامل، یک مقیاس مداد و کاغذی است که شامل ۳۳ آیتم می‌باشد و در سال ۱۹۹۱ به وسیله جان (جان^۳ و استیواستاوا^۴، ۱۹۹۹) طراحی و در آن پاسخ هر سؤال در طیف پنج درجه‌ای (از ۱ تا ۵) کاملاً مخالف تا کاملاً موافق، مشخص شد. پرسشنامه به وسیله جعفرنژاد (۱۳۸۲) هنجاریابی مقدماتی شده

1- Matud	2 - Big Five Inventory
3- John	4 - Strivastava
5- Coping Inventory for Stressful Situations	
6- Endler	7 - Parker
8- General Health Questionnaire	9 - Goldberg
10- Hillier	



یافته‌ها

وظیفه‌شناسی با ضرایب رگرسیونی به ترتیب ۰/۱۱، ۰/۲۰- و ۰/۱۲- اثری معنی‌دار بر سلامت روان داشتند. همچنین از بین متغیرهای برونزا فقط جنسیت، پذیرش و وظیفه‌شناسی با ضرایب رگرسیون به ترتیب ۰/۲۳-، ۰/۱۱- و ۰/۱۴ بر متغیر درونزای مستقل (مسأله‌مداری) اثر معنی‌داری داشتند.

همچنین اثر متغیر درونزای مستقل پژوهش (مسأله‌مداری) بر درونزای وابسته (سلامت روان) ۰/۱۶ می‌باشد که معنی‌دار است. ضمناً واریانس تبیین شده متغیر درونزای مستقل، به وسیله متغیرهای برونزا ۰/۱۷ می‌باشد. شکل ۱ مدل تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۳۲۸)

متغیر	میانگین (انحراف معیار)	حداکثر نمره، حداقل نمره
مسأله‌مداری	۵۴/۷۵ (۱۲/۰۲)	۱۹-۸۰
اجتنابی	۳۶/۵۳ (۱۵/۷۲)	۷-۷۴
هیجان‌مداری	۴۸/۴۳ (۱۲/۱۹)	۲۰-۷۹
سلامت روان	۲۲/۵۱ (۱۲/۷۷)	۱-۸۴
روان‌رنجورخویی	۲۷/۲۵ (۶/۵۷)	۷-۴۲
پذیرش	۳۰/۵۷ (۵/۹۷)	۱۲-۴۰
برون‌گرایی	۱۶/۵۹ (۳/۸۶)	۷-۳۰
سازگاری	۱۹/۵۰ (۲/۷۴)	۱۱-۲۵
وظیفه‌شناسی	۱۶/۴۵ (۲/۵۶)	۱۰-۲۰

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) کل نمونه مورد بررسی در هر متغیر پژوهش ارائه گردیده است.

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده، ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی محاسبه و این ضرایب در ماتریس همبستگی در جدول ۲ ارائه شده است.

بر اساس داده‌ها، همبستگی وظیفه‌شناسی با روان‌رنجورخویی و سلامت روان با جنسیت در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است و دیگر ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، متغیر هیجان‌مداری بالاترین همبستگی را با سلامت روان دارد و بعد از آن به ترتیب، برون‌گرایی، مسأله‌مداری، وظیفه‌شناسی، پذیرش، روان‌رنجورخویی، اجتنابی، جنسیت و سازگاری قرار دارند.

از آنجا که هدف این پژوهش، بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده ابعاد شخصیت و سبک‌های مقابله با تیدگی و همچنین تعیین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم این متغیرها بر سلامت روان به روش تحلیل مسیر است، اثر متغیرهای برونزا^۱ و درونزای^۲ مستقل پژوهش بر سلامت روان (متغیر درونزای مستقل سبک مسأله‌مداری) نشان داد که مدل، فقط ۰/۱۴ از واریانس سلامت روان را تبیین می‌کند. البته از بین متغیرهای برونزا فقط روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	جنسیت	مسأله‌مداری	اجتنابی	هیجان‌مداری	روان‌رنجورخویی	پذیرش	برون‌گرایی	سازگاری	وظیفه‌شناسی	سلامت روان
جنسیت	۱									
مسأله‌مداری	-۰/۳۳**	۱								
اجتنابی	۰/۴۰**	-۰/۲۰**	۱							
هیجان‌مداری	۰/۲۱**	-۰/۱۵**	۰/۳۰**	۱						
روان‌رنجورخویی	۰/۲۱**	-۰/۱۷**	۰/۰۹	۰/۱۵**	۱					
پذیرش	-۰/۱۷**	۰/۲۰**	-۰/۱۸**	-۰/۲۳**	-۰/۰۸	۱				
برون‌گرایی	-۰/۰۵	۰/۱۲*	-۰/۰۴	-۰/۱۷**	۰/۰۰	۰/۱۹**	۱			
سازگاری	-۰/۳۰**	۰/۱۸**	-۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۱۳*	۰/۰۸	۱		
وظیفه‌شناسی	-۰/۳۰**	۰/۲۵**	-۰/۲۵**	-۰/۱۸**	-۰/۱۱*	۰/۱۸**	۰/۱۹**	۰/۰۶	۱	
سلامت روان	۰/۱۲*	-۰/۲۳**	۰/۱۶**	۰/۳۶**	۰/۱۶**	-۰/۱۷**	-۰/۲۵**	-۰/۰۵	-۰/۲۱**	۱

* $p < 0.05$, ** $p < 0.01$

1- exogenous variable

2- endogenous variable



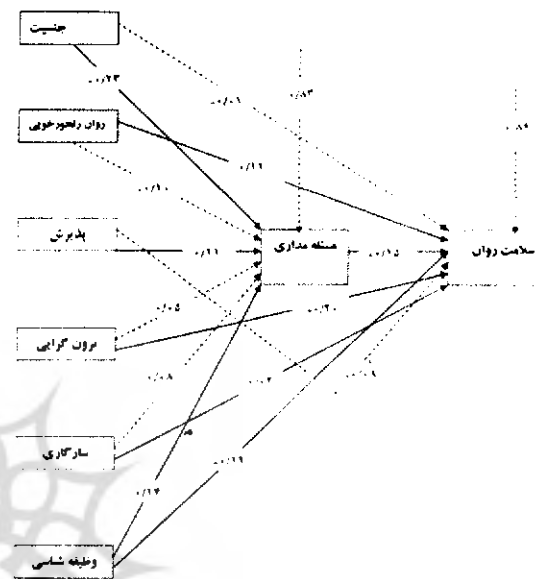
آنها برابر می‌باشد که در این حالت نیز تنها اثرات کل جنسیت، پذیرش و وظیفه‌شناسی معنی‌دار شده است.

از میان اثرات کل متغیرهای برونزا بر درونزای وابسته نیز تنها اثرات متغیرهای روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی معنادار می‌باشد و در نهایت اینکه اثر کل سبک مسأله‌مداری بر سلامت روان نیز معنی‌دار است.

مدل تحلیل مسیر ارائه شده در شکل ۲ به منظور برآورد ضرایب مسیر و اثرات مستقیم متغیرهای درونزا و برونزای پژوهش بر سلامت روان (متغیر درونزای مستقل سبک اجتنابی) نشان می‌دهد که مدل فقط ۰/۱۳ از واریانس سلامت روان را تبیین می‌کند. البته از بین متغیرهای برونزای روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با ضریب رگرسیونی به ترتیب ۰/۱۳ و ۰/۲۱- اثری معنی‌دار بر متغیر درونزای مستقل (سبک اجتنابی) برداشتند و اثر متغیر درونزای مستقل پژوهش (سبک اجتنابی) بر درونزای وابسته (سلامت روان) ۰/۱۰ می‌باشد که معنی‌دار نیست. ضمناً واریانس تبیین شده متغیر درونزای مستقل به وسیله متغیرهای برونزا ۰/۱۹ می‌باشد.

شکل ۲ مدل تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم متغیرها نشان می‌دهد. همان‌گونه که در مدل شماره ۲ توضیح داده شد، شاخص‌های اندازه‌گیری برازش نشان می‌دهند که مدل با توجه به نوع داده‌ها در بهترین حالت برازش پیدا کرده است ($GFI = 1$, $AGFI = 0/99$).

اطلاعات فوق نشان می‌دهند که هیچ کدام از اثرات مستقیم متغیرهای برونزا از طریق سبک اجتنابی معنادار نبوده است. همچنین اثرات کل متغیرهای برونزا بر درونزای مستقل (سبک اجتنابی) با اثرات مستقیم آنها برابر می‌باشد که در این حالت نیز فقط اثرات کل جنسیت، پذیرش و وظیفه‌شناسی معنادار شده است. از میان اثرات کل متغیرهای برونزا بر درونزای وابسته نیز فقط اثرات متغیرهای روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی معنادار می‌باشد. نهایت اینکه، اثر کل سبک اجتنابی بر سلامت روان معنی‌دار نیست.



شکل ۱- مدل تحلیل مسیر برای مسأله‌مداری

پس از آنکه پارامترها برآورد گردیدند، نوبت به اندازه‌گیری برازش مدل رسید که از مجموع آماره‌های برازش، چهار روش GFI ، $AGFI$ ، $RMSEA$ و χ^2 از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

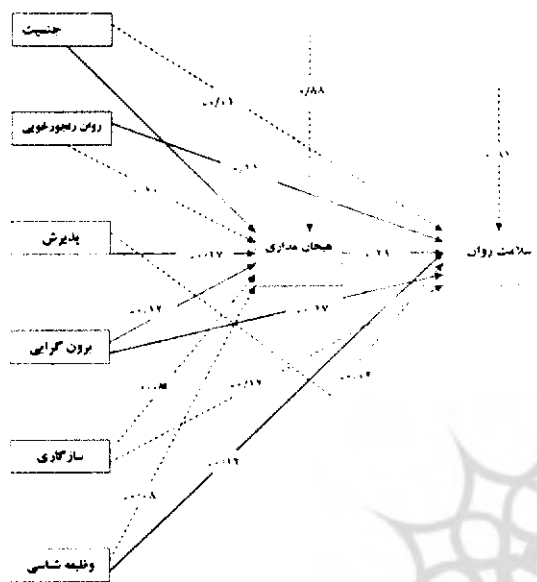
دو شاخص $AGFI = 0/99$ و $GFI = 0/99$ هر چقدر به یک نزدیک‌تر باشند، برازش کامل مدل را بیشتر نشان می‌دهند و کم‌بودن شاخص‌های $RMR = 0/02$ و $RMSEA = 0/05$ به منزله مطلوبیت برازش مدل است. مهم‌ترین آماره برازش، χ^2 است که این آماره میزان تفاوت ماتریس مشاهده و برآورده شده را اندازه‌گیری می‌کند. معنادار نبودن این آماره، برازش مدل را نشان می‌دهد که این میزان ارزش χ^2 دو (۸/۸۸) با درجه آزادی ۵ معنادار نیست. علاوه بر آن، ارزش p هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، مطلوبیت و نیکویی برازش را بیشتر نشان می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تحلیل مسیر، اندازه‌گیری اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر می‌باشد. نتایج فوق نشان می‌دهند که از میان متغیرهای برونزا، فقط اثر غیر مستقیم جنسیت از طریق مسأله‌مداری معنادار می‌باشد. همچنین اثرات کل متغیرهای برونزا بر درونزای مستقل (سبک مسأله‌مداری)، با اثرات مستقیم

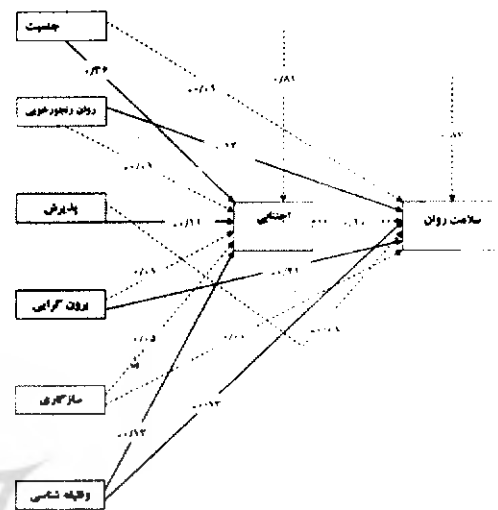
1- Goodness of Fit Index

2- Adjusted Goodness of Fit Index

3- Root Mean Square Error of Approximation



شکل ۳- مدل تحلیل مسیر برای سبک هیجان‌مداری



شکل ۴- مدل تحلیل مسیر برای سبک اجتنابی

نتایج نشان می‌دهند که از میان متغیرهای برون‌زا فقط اثر غیرمستقیم جنسیت، پذیرش و برون‌گرایی از طریق هیجان‌مداری معنی‌دار می‌باشد. همچنین اثرات کل متغیرهای برون‌زا بر درون‌زای مستقل (سبک هیجان‌مداری) با اثرات مستقیم آنها برابر است که در این حالت نیز فقط اثرات کل جنسیت، پذیرش و برون‌گرایی معنی‌دار شده است. از میان اثرات کل متغیرهای برون‌زا بر درون‌زای وابسته نیز فقط اثرات متغیرهای برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی معنی‌دار می‌باشد. نهایت اینکه، اثر کل سبک هیجان‌مداری بر سلامت روان نیز معنی‌دار است.

بحث

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهند، در مدل‌های پیشنهادی، جنس و صفات شخصیت به شیوه‌های مختلف بر سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان تأثیر می‌گذارند. در پژوهش حاضر، روان‌رنجورخویی بر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار اثر منفی و معنی‌دار، بر سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار اثر مثبت و غیرمعنی‌دار و بر سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار اثر منفی و غیرمعنی‌دار و بر سبک اجتنابی اثر منفی و غیرمعنی‌دار داشت. در مورد این اثر، نتایج این مطالعه با نتایج بررسی‌های اندلر و پساگر (۱۹۹۰)، یوهازا و همکاران

مدل تحلیل مسیر ارائه شده در شکل ۳ به منظور برآورد ضرایب مسیر و اثرات مستقیم متغیرهای درون‌زا و برون‌زای پژوهش بر سلامت روان (متغیر درون‌زای مستقل سبک هیجان‌مداری) نشان می‌دهد که مدل فقط ۱۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. البته از بین متغیرهای برون‌زا، روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با ضرایب رگرسیون به ترتیب ۰/۱۰، ۰/۰ و ۰/۱۲- اثر معنی‌داری بر سلامت روان داشتند. از بین متغیرهای برون‌زا تنها جنسیت، پذیرش و برون‌گرایی با ضرایب رگرسیون به ترتیب ۰/۱۵، ۰/۱۷- و ۰/۱۲، اثر معنی‌داری بر متغیر درون‌زای مستقل (سبک هیجان‌مداری) داشتند. همچنین اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (سبک هیجان‌مداری) بر درون‌زای وابسته (سلامت روان) ۰/۲۹ می‌باشد که معنادار است. ضمناً واریانس تبیین شده متغیر درون‌زای مستقل به وسیله متغیرهای برون‌زا ۱۲ درصد می‌باشد. شکل ۳ مدل تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم متغیرها نشان می‌دهد.

با توجه به توضیحات داده شده در مدل‌های شماره ۱ و ۲، شاخص‌های اندازه‌گیری برازش نشان می‌دهند که مدل با توجه به نوع داده‌ها در بهترین حالت برازش پیدا می‌کند ($GFI = ۰/۹۹$ ، $AGFI = ۰/۹۶$).



مسأله‌مدار، از لحاظ جهت و شدت با نتایج هرن و میشل (۲۰۰۳) و از نظر جهت به تنهایی با نتایج پنلی و توماکا (۲۰۰۲)، گومز^{۱۱}، هلمبرگ^{۱۳}، باندز^{۱۴}، فولارتن و گومز (۱۹۹۹)، کاردام و کرایپیک (۲۰۰۱)، و یوهارا و همکاران (۱۹۹۹) همسوست. همچنین اثر منفی معنی‌دار برون‌گرایی بر هیجان‌مداری، از لحاظ جهت و شدت با نتایج هرن و میشل (۲۰۰۳) همسو و با نتایج کاردام و کرایپیک (۲۰۰۱)، هوکر^{۱۵}، فریزیر^{۱۶} و مناهان^{۱۷} (۱۹۹۴)، واتسون^{۱۸} و هیوبارد^{۱۹} (۱۹۹۶) و واتسون و کلارک^{۲۰} (۱۹۹۲) غیر همسو می‌باشد.

یافته‌ها مؤید آن است که سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار با احتمال کمتری به وسیله افراد با نمره بالا در برون‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دلیل این ارتباط روشن نیست، اما شاید ویژگی برجسته و توأم با جرأت‌ورزی برون‌گرایی با برخورد‌های انفعالی سازگار باشد (هرن و میشل، ۲۰۰۳).

در این پژوهش، اثر سازگاری بر سبک‌های مقابله‌مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی، مثبت و غیرمعنی‌دار به دست آمد. نتایج این پژوهش (منفی بر اثر مثبت سازگاری بر مسأله‌مداری و هیجان‌مداری) با یافته‌های پنلی و توماکا (۲۰۰۲) همسو و اثر مثبت سازگاری بر هیجان‌مداری با نتایج هرن و میشل (۲۰۰۳) و اثر مثبت سازگاری بر مسأله‌مداری با نتایج ابرین^{۲۱} و دلانگیز^{۲۲} (۱۹۹۶) ناهمسو می‌باشد. نهایتاً اینکه وظیفه‌شناسی بر سبک مقابله‌مسأله‌مدار اثر مثبت و معنی‌دار، بر سبک مقابله‌اجتنابی اثر منفی و معنی‌دار و بر سبک مقابله‌هیجان‌مدار اثر منفی و غیرمعنی‌دار نشان داد. این نتایج با یافته‌های پنلی و توماکا (۲۰۰۲)، هرن و میشل (۲۰۰۳)، ابرین و دلانگیز (۱۹۹۶)، واتسون و هیوبارد (۱۹۹۶) و مک‌کری و جان (۱۹۹۲) همسوست. بر اساس یافته‌های مک‌کری و کاستا (۱۹۹۲) وظیفه‌شناسی با کارآمدی، شایستگی، وظیفه‌مداری،

کاستا^۱ و مک‌کری^۲ (۱۹۹۲)، هرن^۳ و میشل^۴ (۲۰۰۳)، مک‌کری و کاستا (۱۹۸۶)، کاردام و کرایپیک (۲۰۰۱)، والراس^۵ و تاگرسون^۶ (۲۰۰۰) و سالس^۷، گرین^۸ و هلیس^۹ (۱۹۹۸) همسو، ولی از نظر شدت اثر ناهمسو می‌باشد. افراد دارای بالاترین نمره در روان‌رنجورخویی عموماً مضطرب، مستعد ناراحتی و نگرانی، پرخاشگر و تکانشی توصیف می‌شوند (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲). این صفات شخصیتی معمولاً به روان‌رنجورخویی مربوط می‌شوند و با سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار که شامل احساس اضطراب، خود ملامت‌گری، بلا تکلیفی و خشم می‌باشد، سازگاری نشان می‌دهند. اثر منفی روان‌رنجورخویی بر مسأله‌مداری، مؤید این مطلب است که افراد دارای نمره بالا در روان‌رنجورخویی احتمالاً از سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار کمتر استفاده می‌نمایند. به عبارت دیگر، از این یافته‌ها چنین بر می‌آید که رفتارها بر خصوصیتی که نشانگر نمرات بالا در روان‌رنجورخویی هستند، با فعالیت‌های مثبتی بر مسأله‌مداری، ناهماهنگ و ناسازگار می‌باشند (هرن^{۱۱} و میشل^{۱۲}، ۲۰۰۳).

همچنین در پژوهش حاضر، پذیرش بر مسأله‌مداری اثر مثبت و معنی‌دار و بر سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتنابی اثر منفی و معنی‌دار داشت. این نتایج با یافته‌های پنلی و توماکا (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. هرن و میشل (۲۰۰۳) نشان دادند که در مورد زنان بین پذیرش و سبک مقابله‌ای اجتنابی همبستگی معنی‌داری وجود دارد که این نتیجه با یافته‌های اولیه مک‌کری و کاستا (۱۹۸۶) و هرن و میشل (۲۰۰۳) همسوست. لیکن در مورد مردان این همبستگی منفی و غیرمعنی‌دار بود. در مورد مردان، بین پذیرش و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار همبستگی منفی معنی‌دار یافت شد. اگرچه در مورد زنان این همبستگی معنی‌دار نبود، اما مثبت بود. به نظر می‌رسد که مردان و زنان هنگام مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا، متناسب با خلاقیت و فرآیندهای فکری غیر قراردادی مرتبط با پذیرش، به عنوان یک عامل شخصیتی، از سبک‌های مقابله‌ای متفاوتی استفاده می‌کنند.

در پژوهش حاضر، اثر برون‌گرایی بر سبک‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار و اجتنابی مثبت و غیرمعنی‌دار و بر هیجان‌مداری منفی و معنی‌دار بود. اثر مثبت و غیرمعنی‌دار برون‌گرایی بر سبک مقابله‌ای

1- Costa	2- McCare
3- Haren	4 - Mitchell
5- Vollrath	6 - Torgersen
7- Suls	8- Green
9 -Hillis	10- Haren
11- Mitchell	12- Gomes
13- Holmberg	14- Bounds
15- Hooker	16- Frazier
17- Monahan	18- Watson
19- Hubbard	20- Clark
1- O'brien	2 - Delongis



هایس و جوزف (۲۰۰۳) همسو می‌باشند. مک کسری و کاستا (۱۹۹۲) بیان داشتند که سازگاری در موقعیت‌های کاری و اجتماعی می‌بایست با تجربه مثبت بیشتری همراه باشد که این در تمام مدل‌های پیشنهادی، سلامت روان را در پی داشته است. این نتایج با یافته‌های هایس و جوزف (۲۰۰۳)، دینیو و کوپر (۱۹۹۸)، والراس و تارگرسون (۱۹۹۹) و مک کسری و کاستا (۱۹۸۶) همسوست. مشاهده درست موقعیت و ارزیابی شناختی صحیح از توانایی خویش در مواجهه با مسائل و انجام دقیق مسئولیت‌ها، نشانه سلامت روان است. افرادی که در وظیفه‌شناسی نمره بالا می‌گیرند، خصوصیات ارزنده‌ای دارند. همچنین وظیفه‌شناسی (که به چند مورد آن اشاره می‌شود) با صفاتی که می‌تواند نشانگر سلامت روان باشد، همبستگی دارد. وظیفه‌شناسی با توانایی مقابله ادراک شده، مسئولیت ادراک شده برای کنترل تکلیف، هیجان مثبت، همدردی، شادی، امیدواری و غرور همبستگی مثبت و با تئیدگی و سپس توانایی ادراک شده همبستگی منفی دارد (پنلی و توماکا، ۲۰۰۲). افراد وظیفه‌شناس خودتنظیم و پیشرفت مدارند (مک کسری و جان، ۱۹۹۲؛ پنلی و توماکا، ۲۰۰۲). وظیفه‌شناسی یک عامل مهم در پیش‌بینی رضایتمندی از زندگی، بر جنبه‌های شناختی و ارزشی سلامت روان تأکید دارد. همچنین وظیفه‌شناسی می‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده خوشحالی و شادی محسوب گردد (دینیو و کوپر، ۱۹۹۸).

در حالی که سبک مسأله‌مداری بر سلامت روان، اثر منفی و معنی‌دار و سبک هیجان‌مدار اثر مثبت و معنی‌دار داشت، اثر سبک اجتنابی بر سلامت روان معنی‌دار نبود. نتایج پژوهش حاضر درباره اثر منفی و معنی‌دار مسأله‌مداری بر سلامت روان با نتایج آندو^۱ (۲۰۰۲)، لیانگ^۲، لی^۳، لیو^۴ و کوان^۵ (۱۹۹۹)، سویکرت^۶، دی‌رما^۷ و سابلور^۸ (۲۰۰۴) و گریگوری^۹، ماری^{۱۰} و برایان^{۱۱} (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. راهکارهای مسأله‌مدار بر تغییر موقعیت ولی راهکارهای هیجان‌مدار بر ارزیابی مجدد موقعیت و تنظیم تجربه هیجانی مبتنی هستند. ادوارد و همکاران پیشنهاد می‌کنند که راهبردهای مقابله

سازمان‌دهی و نظم در امور و کارها مشخص می‌شود. به نظر می‌رسد که افراد دارای نمره بالا در این مقیاس، احتمالاً در مقابله با یک موقعیت تئیدگی‌زا از راهکارهای حل مسأله و مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق بیشتر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، ویژگی رفتار خودنظم‌جو و مبتنی بر هدف افراد دارای نمره وظیفه‌شناسی بالا، رابطه مثبت بین وظیفه‌شناسی و مقابله فعال و مسأله‌مدار را تبیین می‌کند (پنلی و توماکا، ۲۰۰۲). در این پژوهش، روان رنجورخویی در مدل‌های پیشنهادی بر سلامت روان اثر مثبت معنی‌داری نشان داد. این نتایج با یافته‌های هایس و جوزف (۲۰۰۳)، دینیو و کوپر (۱۹۹۸)، برنبر و همکاران (۱۹۹۵)، جان و جوزف (۲۰۰۰)، هیلز و آرگیل (۲۰۰۱) و لیو و شای (۱۹۹۷) همسوست. روان‌رنجورخویی افراد را مستعد می‌کند که حالت عاطفی منفی را تجربه نمایند و تعجب‌آور نیست که روان‌رنجورخویی با عدم سلامت روانی همبستگی مثبت معنی‌دار داشته باشد (دینیو و کوپر، ۱۹۹۸).

در هر سه مدل عامل پذیرش اثر منفی و غیرمعنی‌داری بر سلامت روان نشان می‌دهد. این نتایج با یافته‌های هایس و جوزف (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. مک کسری و کاستا (۱۹۸۶) پیشنهاد می‌کنند که پذیرش، فرد را به تجربه حالت‌های هیجانی مثبت و منفی هدایت می‌کند. بنابراین هیچ ارتباط مستقیمی بین این عامل و سلامت روانی نمی‌توان انتظار داشت.

همچنین در هر سه مدل عامل برون‌گرایی اثر منفی و معنی‌داری بر سلامت روانی داشت. این نتایج با یافته‌های هایس و جوزف (۲۰۰۳)، برنبر و همکاران (۱۹۹۵)، هیلز و آرگیل (۲۰۰۱)، لیو و شاین (۱۹۹۷) و دینیو و کوپر (۱۹۹۸) همسو می‌باشد. هایس و جوزف (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند که برون‌گرایی بهترین پیش‌بینی‌کننده شادمانی در مقیاس سنجش شادمانی آکسفورد به شمار می‌رود. واتسون و هیوارد (۱۹۹۶) نشان دادند که افراد برون‌گرا سطوح بالایی از شادی و شغف، انرژی، علاقه و خستگی‌ناپذیری را از خود نشان می‌دهند.

عامل سازگاری در مدل ۱ بر سلامت روان اثر مثبت و غیرمعنی‌دار، در مدل ۳ اثر منفی و غیرمعنی‌دار بر سلامت روان و در مدل ۲ فقدان هرگونه اثر را نشان داد. این نتایج با یافته‌های

1- Ando
2- Liang
3- Li
4- Liu
5- Quan
6- Swickert
7- DeRomr
8- Saylor
9- Gregory
10- Mary
11- Brain



افراد به همراه دارد) چیست؟ بدین ترتیب نتایج پژوهش حاضر امکان حمایت از یک رویکرد ساختاری را فراهم می‌آورد که بیان می‌دارد مقابله تحت تأثیر عواملی چون تفاوت‌های فردی نسبتاً ثابت درون فردی قرار می‌گیرد. در این راستا، توجه به نقش رویکرد انتقالی در باب تنیدگی و روش مقابله (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴؛ کاردام و کراپیک، ۲۰۰۱) در پژوهش‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد. در این رویکرد، بر مقابله در قالب ارتباط فرد - محیط و ماهیت پویا و تعاملی فعالیت تنیدگی‌زا تأکید می‌گردد. تفاوت‌های فردی و عوامل محیطی عمدتاً تحت عنوان ساختار کلی ارزیابی شناختی در نظر گرفته می‌شوند، گرچه این امر مورد تأکید است که ویژگی‌های شخصیتی از قبیل سخت‌رویی، خودکارآمدی و احساس یکپارچگی، بیانگر عوامل حمایتی مهمی در زمینه تجارب تنیدگی‌زا محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، با توجه به این که در مدل‌های پرازش شده فقط درصد کمی از واریانس سلامت روان تبیین شده و درصد تبیین شده در مدل‌های پیشنهادی نیز متفاوت است، به نظر می‌رسد که عوامل دیگری در سلامت روانی دانشجویان نقش داشته باشند. بنابراین تلاش برای دستیابی به عوامل مؤثر بر سلامت روان در مطالعات بعدی و نیز استفاده از روش‌های متنوع ضروری است. از جمله پیشنهادها می‌تواند این است که متغیرهای موقعیتی در این مدل‌ها گنجانده و نقش آنها در مدل ارزیابی شود. از طرف دیگر به جنبه‌های کاربردی ایسن پژوهش می‌توان اشاره کرد که بستر مناسبی برای تصمیم‌گیری مدیریت رفتاری در موقعیت‌های تنیدگی‌زا، انتخاب برنامه‌های مداخله‌ای جهت تغییر و اصلاح ارزیابی‌های معیوب و همچنین رشد راهبردهای مقابله‌ای مؤثر فراهم خواهد کرد.

سپاسگزاری

نگارندگان لازم می‌دانند که از داوران محترم این مقاله، به دلیل ارائه نظرات و پیشنهادها سازنده تقدیر و تشکر نمایند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۸/۱۴ پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۱۰/۱

هیجان‌مدار نه تنها در تغییر موقعیت نقش نداشته، بلکه ممکن است به طولانی شدن آن منجر شوند که این به تداوم نشانه‌های بیماری دامن می‌زند (به نقل از تورنتون^۱، پیکوس^۲ و آلدریچ^۳، ۲۰۰۵).

در نهایت، جنس بر مسأله‌مداری اثر منفی و معنی‌دار و بر سبک‌های مقابله هیجان‌مداری و اجتنابی اثر مثبت معنی‌دار نشان داد. در پژوهش حاضر، اثر مستقیم جنس بر سلامت روان معنادار نبود. این نتایج با یافته‌های میتود (۲۰۰۴)، گریگوری و همکاران (۲۰۰۵) و سویکرت و همکاران (۲۰۰۴) همسو می‌باشد.

درباره تبیین تفاوت‌های جنسی در مقابله با وقایع تنیدگی‌زا، دو فرضیه پیشنهاد شده است: فرضیه اجتماعی شدن^۴ و فرضیه محدودیت نقش^۵.

برخی نویسندگان (مثل آلمدیا و کسلر، بارت و همکاران) پیشنهاد کرده‌اند که اثر جنس بر فرآیند تنیدگی می‌تواند از الگوهای اجتماعی شدن سنتی متأثر گردد (به نقل از میتود، ۲۰۰۴).

بر اساس نظر روساریو و همکاران (به نقل از همان‌جا)، نقش جنسی زنانه سنتی در بردارنده ویژگی‌هایی از قبیل وابستگی، پذیرندگی، قدرت بیان هیجانی، فقدان جرأت‌ورزی و وابستگی نیازها به نیازهای دیگران می‌باشد. در حالی که، نقش جنسی مردانه سنتی شامل ویژگی‌هایی از قبیل استقلال، اعتماد به نفس، جرأت‌ورزی و هدف‌مداری می‌باشد. این صفات، پذیرش و بیان احساساتی از قبیل ضعف، ناشایستگی و ترس را برای مردان و اتخاذ و اختیار نظرگاه حل مسأله فعال را برای زنان بسیار مشکل می‌کند. در مقابل، فرضیه محدودیت نقش بحث می‌کند که تفاوت‌های اجتماعی جنس در مقابله کردن، ممکن است به کمک تفاوت‌هایی برای مردان و زنان در احتمال اختیار نقش‌های اجتماعی ویژه و منابع و فرصت‌های مرتبط با نقش تبیین گردد.

با توجه به نتایج به دست آمده، نکته اساسی این است که در ردیابی عوامل درون فردی مؤثر بر کیفیت پاسخ‌دهی به موقعیت‌های تنیدگی‌زا، صفات شخصیت از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌گردند که تا حد بسیار بالایی سلامت روانی افراد را به چالش می‌طلبند. به عبارت دیگر این پژوهش تلاشی محسوب می‌گردد در پاسخ به این سؤال که نقش متغیرهای شخصیتی در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا (که تبعات متفاوتی برای سلامت

1- Thornton
3- Aldrich
5 - role - constraint

2- Pickus
4- socialization



منابع

- آقامحمدیان، ح.، و پازخزاده، ش. (۱۳۸۰). مقایسه عوامل تنیدگی‌زا و شیوه‌های مقابله با آن در دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی*، ۲ (۶).
- هومن، ع. (۱۳۷۶). *هنجاریابی پرسشنامه سلامت روان در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران*. تهران: تربیت معلم تهران.
- جعفرنژاد، پ. (۱۳۸۲). بررسی رابطه پنج عامل بزرگ، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان‌شناختی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تربیت معلم در سال تحصیلی ۸۲-۸۳، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- Ando, M. (2000). Relationships among mental health, coping styles, and mood. *Psychological Reports*, 90 (2), 606-612.
- Brebner, J., Donaldson, J., Kirby, N., & Ward, L. (1995). Relationship between happiness and personality. *Journal of Personality and Individual Differences*, 11, 251-258.
- Chan, R., & Joseph, S. (2000). Dimensions of personality, domains of aspiration, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 23, 347-354.
- Costa, Jr. P. T., & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO five factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL, Psychological Assessment Resources, Inc.
- DeNeve, K., & Cooper, H. (1998). The happy personality: A meta-analysis of personality traits and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 124, 197-229.
- Eksi, H. (2004). Personality and coping: Multidimensional research on situational and dispositional coping. *Educational Sciences Theory & Practice*, 4(1), 100-104.
- Endler, N. D., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(5), 844-854.
- Furnham, A., & Brewin, C. (1990). Personality and happiness. *Personality and Individual Differences*, 11, 1093-1096.
- Gomez, R., Holmberg, K., Bounds, J., Fullarton, C., & Gomez, A. (1999). Extroversion and neuroticism as predictors of approach and avoidant coping styles among early adolescents. *Personality & Individual Differences*, 27 (1), 3-17.
- Gregory, S. W., Mary, E. P., & Brian, R. (2005). Individual differences in adolescent health symptoms: The effects of gender and coping. *Journal of Adolescence*, 28 (3), 369-379.
- Haren, E. G., & Mitchell, C. W. (2003). Relationship between the five-factor personality Model and coping styles. *Psychology & Education: An Interdisciplinary Journal*, 40 (1), 38-49.
- Hayes, N., & Joseph, S. (2003). Big 5 correlate of three measures of subjective well-being. *Personality & Individual Differences*, 34(4), 723-727.
- Hills, P., & Argyle, M. (2001). Emotional stability as a major dimension of happiness. *Personality and Individual Differences*, 31, 1357-1364.
- Hooker, K., Frazier, L. D., & Monahan, D. J. (1994). Personality and coping among caregivers of spouses with dementia. *Gerontologist*, 34, 386-392.
- John, O. P., & Stivastava, S. (1999). The big five taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In Pervin, L. A. & John, O. P. (Eds). *Handbook of Personality Theory and Research*. (pp. 102-138). The Guilford Press.
- Kardum, I., & Krapić, N. (2001). Personality traits, stressful life events, and coping styles in early adolescence. *Personality and Individual Differences*, 30, 503-515.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- Liang, J., Li, D., Liu, Z., & Quan, D. (1999). Correlation between defense style, coping style and mental health in high school students. *Chinese Mental Health Journal*, 13 (3), 146-147.
- Lu, L., & Shih, J. B. (1997). Personality and happiness: Is mental health a mediator? *Personality and Individual Differences*, 22, 249-256.
- Matud, M. P. (2004). Gender differences in stress and coping styles. *Personality and Individual Differences*, 37 (7), 1401-1415.
- McCrae, R. R., & Costa, Jr. P. T. (1986). Personality, coping, and coping effectiveness in an adult sample. *Journal of Personality*, 54, 385-405.
- McCrae, R. R., & John, O. P. (1992). An introduction to the five factor model and its applications. Special Issue: The five factor model: Issues and applications. *Journal of Personality*, 60, 175-215.
- O'Brien, T. B., & Delongis, A. (1996). The interactional context of problem-, emotion-, and relationship-focused coping: The role of the big five personality factors. *Journal of Personality*, 64, 775-813.
- Penley, J. A., & Tomaka, J. (2002). Associations among the Big five, emotional responses, and coping with acute stress. *Personality and Individual Differences*, 32, 1215-1228.



Steiner, H., Ericson, S. J., Hernandez, N. L., & Pavelski, R. (2002). Coping styles and correlates of health in high school students. *Journal of Adolescent Health, 30* (5), 326-335.

Suls, J., Green, P., & Hillis, S. (1998). Emotional reactivity to everyday problems. Affective inertia, and neuroticism. *Personality and Social Psychology Bulletin, 24* (2), 127-136.

Swickert, R., DeRoma, V., & Saylor, C. (2004) The relationship between gender and trauma symptoms: A proposing mediational model. *Individual Differences Research, 2* (3), 203-213.

Thornton, B., Pickus, j., & Aldrich, M. (2005). Ways of coping in relationship and achievement situations: Further consideration of gender and gender-role typing. *Journal of Worry and Affective Experience, 1* (2), 60-70.

Uehara, T., Kakudo, K., sakado, M., Sato, T. & Someya, T. (1999). Relationship between stress coping and personality in patients with major depressive disorder. *Psychotherapy and Psychosomatics, 68* (1), 26-30.

Vollrath, M., & Torgersen, S. (1999). Personality types and coping. *Personality and Individual Differences, 29*, 367-378.

Watson, D., & Clark, L. A. (1992). On traits and temperament: General and specific factors of emotional experience and their relation to the five - factor model. *Journal of Personality, 60*, 44-476.

Watson, D., & Hubbard, B. (1996). Adaptational style and dispositional structure: Coping in the context of the five - factor model. *Journal of personality, 64*, 735-774.

